

یادداشت

هدف آمریکا، بازگشت به خاور دور است



خبرگزاری کیودو اطلاع داد: مایک پنس ، معاون ریاست جمهوری آمریکا مسئله کره شمالی را با نخست وزیر ژاپن شیزو اَبه بحث و بررسی کردند. پنس خاطر نشان کرد که واشنگتن همانند توکیو برای حل و فصل صلح امیز اوضاع در منطقه تلاش می کند اما در عین حال تاکید نمود که «صلح با زور بدست خواهد آمد».

در عین حال این سیاستمدار از قصد آمریکا برای همکاری با ژاپن، کره جنوبی و چین برای حل مسئله هسته ای کره شمالی خبر داد. نخست وزیر ژاپن و معاون رئیس‌جمهور آمریکا توافق کردند که پکن را برای حضور فعال تر در جلوگیری از برنامه‌های هسته ای و موشکی پیونگ یانگ ترغیب نمایند.

پنس بیان داشت که عصر « صبر استراتژیک» واشگتن در ارتباط با کره شمالی به سسر رسیده است. وی همچنین از پیونگ یانگ خواست که قاطعیت دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا را آزمایش نکند.

تور آسیای پنس با شدیدترین بحران حول کره شمالی طی سال های اخیر همراه شد. آمریکا چند کشتی نظامی به سرپرستی ناو هوایمبار اتمی « کارل ونسون» را به ساحل شبه جزیره کره اعزام کرد.

ولادیمیر شایولوف، معاون دانشکده تاریخ و سیاست دانشگاه دولتی تربیت مدرس مسکو مطمئن است که نمایش کنونی نیروهای نظامی از جانب آمریکا، پروسه بسیار خطرناکی است.

ولادیمیر شاپولوف در مصاحبه ای با اسپوتنیک گفت: « در عین حال مخاطب این نمایش نه تنها و نه فقط رژیم کره شمالی است بلکه رهبریت چین نیز مد نظر است. همه بیاتیه ها و تهدیدات به سمت کره شمالی، بدون شک به عنوان تلاش آمریکا برای فشار سیاسی « نظامی به چین و همچنین بازگشت به خاور دور است. عملاً مواضع ایالات متحده آمریکا طی ده سال اخیر هم در بخش نظامی و هم اقتصادی در خاور دور تضعیف شده است. این مسئله همزمان با تقویت مواضع چین همراه شد. و نمایش نظامی حال حاضر از جانب آمریکا باعث تقویت و از سرتگیری مواضعشان می شود.»
ولادیمیر شاپولوف خاتمه داد: « آیا ممکن است که درگیری به فاز نظامی کشیده شود؟
بله بدون شک، از آنجا که نمایش نیروها در ارتباط با سوریه و افغانستان گواه واضح و روشنی است که دولت کنونی آمریکا قصد ندارد در برابر هر چیزی متوقف شده و آماده است تا در هر شرایطی از زور و نیرو استفاده نماید. بنابراین احتمال حمله به کره شمالی از جانب آمریکا وجود حتی علی رغم اینکه کره شمالی تسلیحات هسته ای در اختیار دارد. به نظر من دولت کنونی آمریکا ممکن است چنین خطر عظیمی را مرتکب شود.»

پاورقی

لامضمین بنیادگرایی اسلامی

قسمت سوم

۱-جامعیت و شمولیت اسلام: اسلام امری خصوصی و معطوف به عرصه معنوی نیست. اسلام هم عقیده و عبادت، هم ملت و ملیت، هم ماده و معنویت، هم دنیا و آخرت، هم سیاست و هم اخلاق و هم جنگ و صلح و کتاب و شمشیر است. بنیادگرایی اسلامی، به برتری ذاتی عقاید، افکار، برنامه‌ها و ایده‌های دینی اعتقاد دارد و برنامه دین را در مقایسه با مکاتب و طرح‌های بشری، طرحی مناسب و برتر معرفی می‌کند(همان: ۸).

۲- پیوند دین و سیاست در اسلام: بنیادگرایی اسلامی به نوعی عدم تمایز میان دین و سیاست متکی است. از این منظر بنیادگرایی دینی با آموزه سکولاریسم، روند جدایی دین از سیاست و فرآیند به حاشیه راندن شدن دین، سر ناسازگاری دارد و بر آن است که این تمایز و جدایی متکی به نوعی مرزبندی صوری و غیر واقعی است. بنیادگرای اسلامی بر این باورند که تنها کسی که حق وضع قانون، تعیین بایدها و نبایدها و حلال و حرام‌ها را دارد، خداوند است. همچنین بنیادگرایی اسلامی جدایی دین از سیاست و خصوصی شدن دین را به معنای انحراف در دین و زوال زندگی اخلاقی، معنوی و اجتماعی بشر آریزایی می‌کند و آ این معنا می‌داند که به فساد و شر اجازه دهیم به قلمر عمومی مسلط شود.

۳-بازگشت به اصول و مبانی: بنیادگرایی اسلامی به منظور رهایی جوامع اسلامی از عقب‌ماندگی و وضع ناگوار و دل‌آزار کنونی آنها از یک سو و فهم درست و کامل اسلام _ اسلامی که شیوه‌ای برای زندگی و در پیوند با سیاست است _ از سوی دیگر، خوراخ بازگشت به اسلام و اصول راستین آن است. یک وجه این بازگشت ناظر بر بازسازی جامعه بر اساس قوانین دین است که تحت عنوان حاکمیت الله دربرابر حاکمیت بشر و طاقتو است و وجه دیگر آن درک درست و حقیقی اسلام است که با رجعت به منابع دینی صورت می‌گیرد.

۴-برقراری حکومت اسلامی: بنیادگرایی اسلامی برقراری حکومت اسلامی را ضرورتی عقلی و الزامی شرعی می‌داندند. عقل حکم می‌کند که جامعه دارای قانون و نظم باشد و از منظر شرعی نیز برقراری حکومت اسلامی ضروری است زیرا دولت جزئی است از شریعت.

۵-عملگرایی و پیکار: بنیادگرایی اسلامی، عمل‌گرا است و خصلتی پیکارجو دارد؛ زیرا برقراری حاکمیت الهی و پایان دادن به وضع غیر از جوامع را مستلزم فعالیت، کوشش و تلاش می‌کند. سید قطب که از برقراری وضع اسلامی و پایان دادن به وضع جاهلی، از طریق مسالمت آمیز و قانونی به ویژه موعظه و اندرز نامیدشده بود، مبارزه مسلحانه را پیشنهاد کرد(همان:۸- ۱۹)

اکنون سعی می‌شود ابتدا نظر برخی از نظریه‌پردازان بنیادگرایی اسلامی را مورد مذاقه قرار داده و سپس با توجه به نظرات آنها جنبش‌هایی را بررسی کرد. نظرات ابن‌تیمیه و تأثیر آن در وهابیت سپس سید قطب و تأثیر آن در اخوان المسلمین و در نهایت مودودی و تأثیرش در طالبان را بررسی خواهیم نمود.

کوناه از چهار گوشه جهان

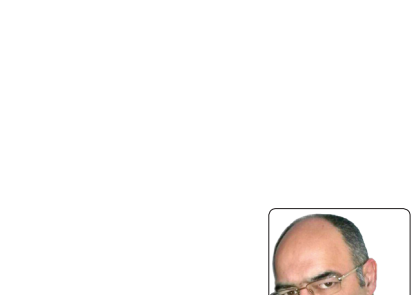
آمریکا به دنبال زندانی کردن آسانژ

«جف سنشن» دادستان کل آمریکا اعلام کرد باداشت «جوئیان آسانژ»، مؤسس وبگاه افشاگر «ویکی لیکس» از اولویت‌های مقامات ایالات متحده است.

براساس گزارش رسانه‌های آمریکایی، دادستان های ایالات متحده در حال آمادگی برای درنظرگرفتن قرار بازداشت برای جوئیان آسانژ هستند.

جف سنشن در این رابطه گفت: «ما فعالیت های خود را در این رابطه (قرار بازداشت آسانژ) افزایش داده ایم. ما با شمار افشاگری هایی که صورت گرفته شوکه شده ایم. پس این موضوع در اولویت قرار دارد. ما در حال تلاش هستیم تا افرادی را روانه زندان کنیم.» ویکی لیکس در طول سال‌های اخیر به خاطر انتشار اسناد محرمانه درباره فعالیت‌های پشت پرده دولت آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. افشاگری ها باعث گذشته ویکی لیکس در انتشار نزدیک به ۸۰۰۰ سند درباره ابزارهای جاسوسی سایبری سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» در ورود به رایانه‌ها، گوشی های تلفن همراه و حتی تلویزیون‌های هوشمند بازتاب گسترده ای در رسانه ها داشت.

دیوار مرزی مشترک آمریکا و مکزیک، حرکتی غیردوستانه



امیر مقدور مشهود

تحولات قرن بیستم تنها به تقسیم بندی‌های سرزمینی، استعمار و آرایش حکومت‌های وابسته و مستقل محدود نیست. این تحولات بیش از هر چیز در شکل گیری معنای زندگی نقش داشته است. پیش از این قرن، انسان ساکن در خاورمیانه برای زندگی خود اصولی را برگزیده بود که ریشه در اعصار و قرون متعادلی داشت. در ابتدای این قرن کمتر کسی تصور می کرد که سرعت تحولات تا به این اندازه برق‌آسا و غیر قابل کنترل باشد. این یادداشت قصد دارد ضمن مروری کوتاه بر سیر تحولات سیاسی از ابتدای قرن بیست تا به امروز، تأثیر آن بر روی ذهن انسان و عنصر معنا پیش از رانسانایی کند.

هنگامی که مدرنیسم به خاورمیانه ورود پیدا کرد بسیاری از فعالان سیاسی و نیروهای معتبر تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این ورود بکار بردند. این تلاش در کشور ما با جنبش تنباکو و دیگر کنشهای مقابل قراردادهای دوره ناصری قابل شناسایی است. نیروهای سنتی امم از فقها و بازاریان سعی کردند که با جلوگیری از فعالیت تجار غربی امکان تأثیر اقتصاد دیگر عرصه را برای تاخت و تاز خود مهیا دیدند.

یعنی راست مدرن و سنت گراها دو سوی شکاف اصلی سیاسی را تشکیل می‌دادند. از یک سو نیروهایی که به دنبال مدرنیزاسیون هر چه بیشتر جوامع و نهادهای سیاسی بودند و سوی دیگر نیروهایی که بر پابندی به اصول سنتی تأکید داشتند. این همان دورانی است که لیبرالها آن را پایان تاریخ نام می‌دانستند که فرهنگ غربی جایگاهی برسی آن‌ها منصور نیست. سنت‌گرایان تنها نیروهای در گیر در این جدال نبودند. در طرف مقابل نیروهایی قرار داشتند که سراز و کار سنتی را پاس‌سخوی نیازهای روز نمی‌دانستند. روشنفکران، درباریان، دیوانیان از جمله آن‌ها است. این جدال باعث شد که سه جریان در هنگام ورود مدرنیسم به خاورمیانه شکل گیرد: ۱-جریان سنتی که مقابل ورود مدرنیسم قرار گرفت. ۲-جریان راست که به دنبال مشروطه خواهی، کاهش قدرت و نفوذ دربار و شاه بود و ۳- نیروهای چپ که تغییر را منحصر به سطح کلان سیاسی ندانسته و به دنبال تحولات ریشمشی در زندگی و تعاملات اقتصادی بودند. بدیهی است که این سه جریان فقط به شکل محض و خالص وجود نداشت. بسیاری از نیروهای سیاسی سعی داشتند که با ترکیب مولفه‌های دو جریان با یکدیگر به دنبال رهیافت نوینی باشند. مانند سنت گرایانی که تمایلات لیبرالی یا ترکیب اسلام با مولفه های سوسیالیزم را دنبال می کردند. با این حال برای تبیین ساده تر ما تنها اشکال محض آن سه جریان را در نظر می‌گیریم. کنش سیاسی ما بین این سه جریان تا سه دهه پیش با افت و خیز زیاد ادامه می‌یابد. اما یک واقعه موجب می‌شود که یکی از این سه جریان از عرصه ی سیاسی در خاورمیانه خارج شود. این جریان همان تمایلات سوسیالیستی یا اصطلاحا جناح چپ بود. مهمترین نماد این واقعه فروپاشی دیوار برلین بود.



فر وپاشی دیوار برلین

با فروپاشی دیوار برلین اندیشه‌یی که به دنبال تغییر رادیکال و بنیادی در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی و زندگی مردم بود با بحران جدی مواجه گردید. شکست بلوک شرق در جنگ سرد موجب گردید که نیروهای چپ از سوی جامعه با کمترین اقبال مواجه شوند. با تضعیف سوسیالیسم در خاورمیانه دو نیروی دیگر عرصه را برای تاخت و تاز خود مهیا دیدند.

یعنی راست مدرن و سنت گراها دو سوی شکاف اصلی سیاسی را تشکیل می‌دادند. از یک سو نیروهایی که به دنبال مدرنیزاسیون هر چه بیشتر جوامع و نهادهای سیاسی بودند و سوی دیگر نیروهایی که بر پابندی به اصول سنتی تأکید داشتند. این همان دورانی است که لیبرالها آن را پایان تاریخ نام می‌دانستند که فرهنگ غربی جایگاهی برای آن‌ها منصور نیست. سنت‌گرایان تنها نیروهای در گیر در این جدال نبودند. در طرف مقابل نیروهایی قرار داشتند که سراز و کار سنتی را سرمستی پیروزمندانه چندان طول نکشید. مهمترین چالش پیش روی لیبرالیسم ظهور و رشد تروریسم مذهبی در منطقه خاورمیانه بود. هرج و مرج در افغانستان و پس از آن عراق دامن بسیاری از کشورهای عربی را گرفت. این وضعیت نشان داد که لیبرالیسم آن هژمونی لازم برای برقراری نظم و آرامش را ندارد. این رویدادها منجر به ظهور تورهی سومی در خاورمیانه گردید که آن را می‌توان دوره پس از بوش نامید.

پسا‌بوش (پس از بوش)

این دورانی است که امروز نیز در آن حضور داریم. در این دوران شاهد ظهور پدیده‌هایی بودیم که هر از گاهی آن را با واژه پوپولیسم یا ظهور مجدد دیکتاتورها و امثالهم یاد می‌کنند. نمود عینی این وضعیت در ایران ظهور دولتهای نهم و دهم، در ترکیه افزایش قدرت اردوغان و در مصر شخص سیسی است. مهمترین مولفه‌ی این دوره اقبال افراد با شأخصه‌های کاریزماتیک است.به‌راستی چه‌اتفاقی افتاده‌است که در‌میان‌جدال سنت و مدرنیسم ناگهان شاهد ظهور افراد و تمایلات کاریزماتیک در جامعه خاور میانه هستیم؟ بدون تردید ظهور این پدیده ناشی از عملکرد و یکه تازش دو جریان لیبرالیسم و سنت گرایي بوده است.

لوتییس ویده گارای وزیر خارجه مکزیک روز پنجشنبه در مادرد با تاکید براینکه تصمیم واشنگتن در ادامه ساخت دیوار در مرز مشترک دو کشور، بخشی از گفت وگوهای دوجانبه مکزیک و آمریکا نیست، گفت: ساخت این دیوار یک حرکت غیر دوستانه است. وزیر خارجه مکزیک همچنین با ابراز خوش بینی نسبت به آغاز گفت وگوها با آمریکا:افزود.امیدوارم این گفت وگوها جامع و تنها بر روی مهاجرت و امنیت متمرکز نشوند. ویده گارای با یادآوری اینکه آمریکا شریک اصلی اقتصادی مکزیک است، گفت: سیاست حمایت از تولیدات داخلی دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا می تواند به منزله یک ضربه برای اقتصاد مکزیک باشد و به همین دلیل، هدف دولت مکزیک گشایش این کشور به سوی جهان است. وی با بیان اینکه ما از اهمیت دوجانبه بین آمریکا و مکزیک آگاهی داریم افزود: موضع مکزیک بر اساس مذاکرات با آرامش و اطمینان، آشکار است.

گم شده خاورمیانه



لیبرالیسم وخلاء ذهنی

همانطور که گفته شد تقابل دو جریان سنت و مدرنیسم کارزار اصلی سیاسی در دهه‌های اخیر را شکل داده است. این دو جریان به دو شکل متفاوت سعی داشتند که تکلیف معنای زندگی را برای مردم تعیین کنند. سنتی ها با فروپاشی روابط اجتماعی خود از جمله روابط خویشاوندی و مفاهیمی همچون ایل و طایفه تنها با اتکا به بنیان‌های دینی و مذهبی سعی کردند که حقیقت را فقط در متافیزیکی فراتر از زندگی جاری بسته و از اساس هر حقیقی را خارج از آن مردود بدانند. آن‌ها اگرچه علوم طبیعی و تجربی را در برخی امور مجاز شمرند اما از دخالت این علوم در حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی جلوگیری می‌کردند. از سوی دیگر لیبرالیسم است که مبنای معرفت‌شناسی خود را بر روی همین علوم تجربی قرار داده است. آن‌ها تنها پدیده‌های قابل مشاهده را مبنای حقیقت قرار دادند. از نظر آن‌ها تنها آن چیزی که دیده می‌شود و قابل اندازه‌گیری است اساسی حقیقی دارد.

این تعریف در حوزه‌ی سیاسی به حقوق فردی تبدیل گردید. اقتصاد و حقوق ابرار لازم برای مشاهده و اندازه‌گیری را برای سیاست فراهم نمود. مالکیت و حقوق فردی مبنای حقیقت در سیاست لیبرال تعریف می‌گردید. لذا وظیفه اصلی دولت حفظ و حراست همین حوزه خصوصی است. بنابراین ایشان جامعه مجموعه‌ای از افراد با حقوق فردی است. بنابراین حمایت از حقوق فردی هدف از ایجاد جامعه و سراز و کار سیاسی مورد پسند و رضایت اکثریت دموکراسی است. در این میان آنچه که پنهان مانده بود نیاز انسان برای معنا یابی در میان دیگر انسان‌ها بود. هیچ کدام از این دو گروه حامل بار معنایی نبودند که در روابط فی مابین انسانها یافت شود. ارزش‌های هیچ کدام از این دو گروه در جامعه ریشه نداشت. یکی متافیزیک فرا انسانی و دیگری حوزه شخصی را منبع حقیقت و معنا یابی زندگی انسان می‌شمردند. یکی معنای لازم و کافی را در کرو رابطه میان انسان و خدا می جست و دیگری پول، اموال و حقوق و آزادی فردی را می‌خواستند. این دو گروه گمان می‌کردند که انسان با وابستگی به این منابع می‌تواند تا ابد به زندگی سالم‌ت آمیز خود ادامه دهد. غافل از اینکه خلاء ناشی از ارزش‌های مبتنی

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

لوتییس ویده گارای وزیر خارجه مکزیک روز پنجشنبه در مرز مشترک دو کشور، بخشی از گفت وگوهای دوجانبه مکزیک و آمریکا نیست، گفت: ساخت این دیوار یک حرکت غیر دوستانه است. وزیر خارجه مکزیک همچنین با ابراز خوش بینی نسبت به آغاز گفت وگوها با آمریکا:افزود.امیدوارم این گفت وگوها جامع و تنها بر روی مهاجرت و امنیت متمرکز نشوند. ویده گارای با یادآوری اینکه آمریکا شریک اصلی اقتصادی مکزیک است، گفت: سیاست حمایت از تولیدات داخلی دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا می تواند به منزله یک ضربه برای اقتصاد مکزیک باشد و به همین دلیل، هدف دولت مکزیک گشایش این کشور به سوی جهان است. وی با بیان اینکه ما از اهمیت دوجانبه بین آمریکا و مکزیک آگاهی داریم افزود: موضع مکزیک بر اساس مذاکرات با آرامش و اطمینان، آشکار است.

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

حمله تروریستی داعش در شانزه لیزه

میان مسائل مهم در رقابت‌های انتخاباتی فرانسه بوده است. رای‌دهندگان نیز ممکن است به سوی نامزدی سوق یابند که باور دارند می‌تواند نسبت به دیگر نامزدها، بهتر از امنیت کشورهای دفاع کند.

همچنین، به عهده گرفتن مسئولیت این حمله از جانب داعش، می‌تواند موجب افزایش نفوذ مارلین لوپن – نامزد راست‌گرای افراطی – شود که متعهد شده است مرزهای فرانسه را قوت و مهاجرت غیرقانونی را به شدت سرکوب خواهد کرد. حملات تروریستی اخیر در فرانسه، به شدت نگرانی شهروندان فرانسوی را برانگیخته است.

تنها چند روز پیش، پلیس فرانسه اعلام کرد دو مرد مظنون به انجام حمله تروریستی پیش از برگزاری دور نخست انتخابات فرانسه را دستگیر کرده و اسلحه و تجهیزات لازم برای ساخت بمب را از آن‌ها کشف و ضبط کرده است.

گفته می‌شود این دو مرد اتباع فرانسوی بوده اند که به افراط‌گرایی روی آورده و با گروه تروریستی داعش در ارتباط بوده‌اند.

این رویدادها می‌تواند بر اذهان یک سوم جمعیت فرانسه که همچنان درباره کانديدای محبوب خود تصمیم‌گیری نکرده‌اند، تأثیر بگذارد. روزه جمع به عنوان آخرین فرصت برای تبلیغات انتخاباتی فرانسه اعلام شده است. کانديداهایی که در این روز به تبلیغ بپردازند، به طور حتم درباره مسائل امنیتی نیز سخن خواهند گفت.

این کانديداهایا باید با مسئله امنیت طوری رفتار کنند که تعادل میان پاسخگویی به یک رویداد تازه و عدم استفاده تبلیغاتی از یک حادثه تلخ برقرار شود.

آمریکا جنگنده اف ۳۵ به اسرائیل می‌دهد

ارتش اسرائیل اعلام کرد که با تحویل گرفتن سه فروند هواپیمای جنگنده اف-۳۵ از آمریکا، مجموع این نوع هواپیماهای در اختیار این رژیم به پنج فروند خواهد رسید.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این دومین بخش از مجموع ۵۰ فروند هواپیمای اف – ۳۵ استیلت است که این رژیم به شرکت هوافضای لاکهید مارٹین ایالات متحده سفارش داده است.

نخستین بخش این سفارش شامل ۳ فروند اف – ۳۵ در دسامبر ۲۰۱۶ به تل آویو تحویل داده شد.

دونالد ترامپ در اوایل دوره ریاست‌جمهوری خود به طور علنی از لاکهید به علت هزینه‌های بی‌سابقه تولید این شرکت قول داد که در آینده بهای اف – ۳۵ کاهش خواهد داد.

با اینکه کشورهای دیگر هم پیمان ایالات متحده نیز از این نوع هواپیمای سفارش داده‌اند، اما ارتش اسرائیل که سالانه بیش از سه میلیارد دلار کمک نظامی از واشگتن دریافت می‌کند، نخستین ارتش پس از آمریکااست که به یک اسکادران عملیاتی اف – ۳۵ مجهز خواهد شد.

اسرائیل برای خرید هر فروند هواپیمای اف – ۳۵ در نخستین بخش سفارش خود که شامل ۳۳ فروند از این هواپیماها می‌شود، به طور میانگین حدود ۱۱۰ میلیون (۱۰۳ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو) پرداخت می‌کند.

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل

بین‌الملل